

زیر آسمان فیر وزمای

ترخیص کیارستمی از بیمارستان



●**شرق:** عباس کیارستمی سرانجام پس از ۵۰ روز که در بیمارستان به‌سر می‌برد، مرخص شد. این کارگردان سینمای ایران عصر هفت اردیبهشت‌ماه از بیمارستان مرخص شد. او به دلیل مشکلات گوارشی و پس از آن چهار عمل جراحی در بیمارستان به‌سر می‌برد.

معتد آریا، سفیر محیط‌زیست شد

●**شرق:**فاطمه معتمدآریا سفیر محیط‌زیست جشنواره بین‌المللی فیلم سبز شد ـ این بازیگر تاکنون در بیش از ۵۸ فیلم از جمله فیلم‌های «وسری آبی»، «مسافران»، «دختر شیرینی فروش»، «گیلانه»، «اینجا بدون من»، «قصه‌ها»، «یحیی سکوت نکرد»، «نبات» (۲۰۱۲ میلادی– جمهوری آذربایجان) و... بازی کرده استـ معتمدآریا همچنین در مجموعه‌های تلویزیونی همچون «زیر تیغ»، «آریشگاه زیبا»، «گل پامچال» و... و نمایش‌هایی همچون «منه‌دلاور و فرزندان او»، «آهو»، «ریچارد سوم» و... به ایفای نقش پرداخته استـ او برنده بیش از ۱۵ جایزه معتبر داخلی و بین‌المللی از جشنواره‌هایی همچون جشنواره فیلم ونسن، جشنواره فیلم مونتسرال، فجر، جشنواره بسفر ترکیه، یورو آسیا قزاقستان، لنس سینما وین، اپسا آسیا پاسیفیک، بریزین استرالیا و... استـ پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز ۲۴ تا ۳۱ اردیبهشت در تهران (سینما فلسطین و مرکز فرهنگی –هنری صبا) و هم‌زمان در سراسر کشور برگزار می‌شود.

«قوچ‌ها» سیمرخ رابه خانه برد

●**شرق:** در جشنواره اخیر کن، حیوانات جایگاه خاصی داشتند. برگزیدگان سی وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر در حالی معرفی شدند که بیشترین سیمرخ به فیلم «قوچ‌ها» به کارگردانی گرمور هاگونارسون رسید. داستان فیلم قوچ، پیرامون دو برادر گوسفنددار است که باوجود زندگی‌کردن در کنار هم، به‌مدت ۴۰ سال با یکدیگر قهرند. امیر گنجوی پیش‌ازاین در «کن» این فرصت را یافته بود تا با کارگردان این فیلم به گفت‌وگو بنشیند. او در این گفت‌وگو درباره سختی کارکردن با گوسفندان در پروسه ساخت این فیلم گفته بود: «خیلی آسان‌تر از آن بود که فکر می‌کردم. کمی نگران این بودم که چگونه گوسفندها را کارگردانی کنم. گوسفندی خیلی خوب و قشنگ است که برای کار ما مناسب باشد، پیدا کردیم؛ چون گوسفندها چهارپایان خاصی هستند و درعین‌حال، به‌نوعی آرام هم هستند. وقتی به بعضی گوسفندها نزدیک می‌شوی، فرار می‌کنند. گوسفندهایی که با آنها کار کردیم، پیش ما می‌آمدند و می‌توانستید با آنها حرف بزنید. گوسفندها کارشان را خوب انجام دادند. دو چوپان در دشت به من کمک کردند. آنها را گوسفندها مراقبت می‌کردند و حتی هنگامی که حساس‌ترین صحنه را فیلم‌برداری می‌کردیم؛ مثلاً هنگام فیلم‌برداری در توفان برف، همین که می‌گفتم: «حرکت»، گوسفندها درون نقش می‌رفتند و دقیقاً همان حرکتی را که می‌خواستم، انجام می‌دادند.

در بخش سینمای سعادت جایزه بهترین فیلم کوتاه و ۱۰۰ میلیون ریال جایزه نقدی به «دیدن» تعلق گرفت. جایزه بهترین بازیگر زن و ۱۰۰ میلیون ریال جایزه نقدی به پانته‌ا پناهی‌ها برای بازی در «فس» اهدا شد. سیمرخ سیمین بهترین بازیگر مرد و ۱۰۰ میلیون ریال جایزه نقدی به سیمون جانسون تیودور برای فیلم «قوچ‌ها» اهدا شد. سیمرخ سیمین بهترین فیلم‌نامه و ۱۰۰ میلیون ریال جایزه نقدی به «اماما، هنگامه سقوط یک درخت» رسید. سیمرخ سیمین بهترین کارگردانی و ۱۰۰ میلیون ریال جایزه نقدی به امین آلبر برای «جنون» از ترکیه اهدا شد. سیمرخ سیمین جایزه ویژه هیات داوران برای بهترین دستاورد هنری به «اروند» ساخته یوریا آذربایجانی اهدا شد. سیمرخ زرین بهترین فیلم و ۳۰۰ میلیون ریال جایزه نقدی به فیلم قوچ‌ها اهدا شد.

در نخستین گردهمایی متخصصان ایرانی عضو سازمان جهانی تبلیغات که با حضور نمایندگان بزرگ‌ترین مجموعه‌های بازاریابی و تحقیقات و تبلیغات تجاری ایران، در سالن لئون سام سنتر برگزار شد، با اجماع تمام آرای حاضران، هیات عالی اجرایی سازمان جهانی تبلیغات در ایران انتخاب شدند.

به گزارش روابط عمومی سازمان جهانی تبلیغات، خانم‌ها سارا رفیعی و سیده‌فاطمه مقیمی و آقایان حمید احمدی، مهیار حاجتمند و عماد رستمی برای اولین دوره به عنوان هیات عالی اجرایی (شورای مرکزی) انتخاب و مسئولیت نامبردگان توسط هیات امنا ابلاغ شد. در این جلسه علاوه بر هم‌اندیشی درباره فعالیت‌های آینده، مسئولان کمیته‌های تخصصی سازمان جهانی تبلیغات IAA در ایران برای یک دوره منصوب شدند که اسامی ایشان به این شرح است: حمید احمدی از شرکت سیماپخش به عنوان مسئول کمیسیون اعضای شرکتی، آقای مجید احمدی از شرکت سروش‌سیما به عنوان مسئول کمیته تلویزیون و ارتباطات ماهواره‌ای، خانم شهرزاد اسفرجانی از گروه اسفرجانی و همکاران به عنوان مسئول کمیته آموزش، آقای حسن بادکوبه از گروه بادکوبه به عنوان مسئول کمیته

برای اولین بار پس از انقلاب

هیأت عالی اجرایی سازمان جهانی تبلیغات در ایران تشکیل شد

برنامه‌ریزی و مدیریت تبلیغ، آقای مهیار حاجتمند از گروه بین‌المللی مهیاران به عنوان مسئول کمیته تخصصی عکاسی و تصویربرداری، آقای ناصر پاشاپورنیکو از گروه دی‌ان‌ای به عنوان مسئول کمیسیون جوانان و کمیته‌های yp و آینده‌سازان، آقای علی تصدیقی به عنوان مسئول کمیته انیمیشن و ویزوال‌افکت، آقای محسن رهگذر از آژانس بادکوبه به عنوان مسئول کمیته اینترنت و رسانه دیجیتال، آقای عماد رستمی از شرکت تدبیر پاسارگاد به عنوان مسئول کمیسیون مجموعه‌های عضو و نیز مسئول کمیته روابط عمومی کمیسیون راهبردی، خانم سارا رفیعی از آژانس طرح باران به عنوان مسئول کمیته تشکیلات کمیسیون راهبردی، آقای رسول صدرعاملی به عنوان مسئول کمیته خلاقیت، آقای علیرضا صفاری از آژانس بادکوبه به عنوان مسئول کمیته مدیریت پروژه، آقای کسری عابدینی به عنوان مسئول کمیته گرافیک، آقای برنارد غزراپیلیان از های‌گروپ‌پلاس به عنوان مسئول کمیته مالی و خزانه‌داری کمیسیون راهبردی، آقای محسن کرباسیان به عنوان مسئول کمیته ای‌تی کمیسیون راهبردی و خانم سیده‌فاطمه مقیمی از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به عنوان مسئول کمیته مارکتینگ و بازاریابی.

گفت‌وگو با «کتایون شهبابی»، تمپه‌کننده و پخش‌کننده بین‌المللی و داور جشنواره «کن»

افتخارم کارکردن در سینمای ایران است



بله. تا‌به‌حال ۱۱ دآوری بین‌المللی داشته‌ام که می‌توان به جشنواره‌های «سن سیاستین»، «ایدفا»، «میلان» و «مانهایم» اشاره کرد.

●**شما تاکنون در رسانه‌ها بیشتر به عنوان پخش‌کننده بین‌المللی معرفی شدید و بحث تهیه‌کنندگی‌تان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نظرتان چیست؟**

درست می‌گویید. من‌تا همیشه سعی کرده‌ام کارم را درست انجام دهم و به عناوین خیلی تکیه ندارم. آن زمان که در سینمای ایران نه بازاری‌فلمی برپا می‌شد و نه فیلم‌های مطرحی برای عرضه در جهان داشت، با بزرگانی مانند عباس کیارستمی، ناصر تقوایی و بهرام بیضایی کار می‌کردم. بعد از شش سال کار فارابی، به سیمافیلم پیوستم. آنجا هم ۹ سال مشغول به کار شدم. در آن مقطع در بخش بین‌الملل سیمافیلم (CMI) فیلم‌های تولید مشترک ساخته می‌شد؛ چه مستند و چه سینمایی و در این عرصه تجربیاتی کسب کردم. تا اینکه به این فکر رسیدم نخستین شرکت پخش خصوصی را به نام خودم به ثبت برسانم.

●**البته در آن زمان کار بزرگی بود. چون یادم هست تنها شما و آقای محمد اطیابی در این عرصه مشغول بودید و سایر امکانات در اختیار مدیریت دولتی بود که هر کسی نمی‌توانست وارد آن فضا شود. چگونه به چنین جسارتی دست زدید؟**

بله. من و آقای اطیابی در آن دوران تنها افرادی

بودیم که در بخش خصوصی مشغول به کار شدیم؛ ایشان در شکل حقیقی و من هم با ثبت شرکتم رسانه بین‌المللی شهرزاد) به شکل حقوقی. از آن زمان بود که از پخش‌کنندگی به تهیه‌کنندگی رسیدم.

●**تهیه‌کنندگی را با چه فیلم‌هایی تجربه کردید؟**

من عضو مجمع تهیه‌کنندگان مستند و همین‌طور کانون تهیه‌کنندگان فیلم هستم. در «سیمافیلم» فیلم‌هایی مثل «بید و باد» محمدعلی طالبی و همین‌طور چندین فیلم مستند به صورت مشترک تهیه کردم. مثلاً آخرین کار فیلم مستند- داستانی «سپیده» بود به کارگردانی بریت مدسن که توانست در جشنواره «ساندنس» و حدود ۴۰ جشنواره دیگر حضور موفقی داشته باشد. با اینکه افتخار دارم که تقریباً همه فیلم‌های خانم بنی‌اعتماد را در جهان پخش کنم که حتما می‌دانید فیلم «قصه‌ها» موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم‌نامه جشنواره فیلم ونیز شد. سال گذشته هم فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» وحید جلیلوند را داشتم که جایزه فیبرشی (منتقدان) جشنواره ونیز به ایشان اهدا شد. همچنین پخش‌کننده فیلم «ناهید» به کارگردانی آیدا پناهنده بودم که خوشبختانه در بخش «نوعی نگاه» جایزه «امید» را از آن خود کرد. امسال هم فیلم «وارونگی» بهنام بهزادی را در جشنواره کن دارم.

●**نکته حائز اهمیت درباره شما به عنوان داور این است که تا‌به‌حال بانسوی مدیری که در بخش**

●**سیده‌فاطمه مقیمی پریزیدنت IAA ایران شد**
در اولین جلسه مشترک هیات عالی اجرایی و هیات امنای نمایندگی سازمان جهانی تبلیغات IAA در جمهوری اسلامی ایران، سیده فاطمه مقیمی با اجماع تمام آرای حاضران در جلسه به عنوان اولین دبیر هیات عالی اجرایی (پریزیدنت) نمایندگی سازمان جهانی تبلیغات در ایران انتخاب شد.

سازمان جهان تبلیغات IAA که در تاریخ ۷۷ساله خود به عنوان بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی جامع حوزه مارکتینگ و تبلیغات تجاری شناخته می‌شود، قبل از پایان مذاکرات هسته‌ای، شروع همکاری‌های خود را با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده و در ایران تحت نظارت هیات امنایی متشکل از مهرنوش شفیعی شهرپایکی، سید محمدصادق خرازی، مهدی رحمانیان، رسول صدرعاملی، برنارد غزراپیلیان و محمد ماجد فعالیت می‌کند. IAA، سند راهبردی خود در ایران را بر مبنای تحقق اقتصاد درون‌زای برون‌گرا تدوین کرده و قصد دارد با آموزش متخصصان ایرانی و فراهم‌کردن امکان همکاری‌های متقابل بین‌المللی نقش قابل‌توجهی در اعتلای اقتصاد ایران ایفا کند.

خصوصی در سینمای ایران کار می‌کند، توانسته در کن حضور پیدا کند. تا‌به‌حال بیشتر بازیگران و کارگردانان حضور داشتند. ضمن اینکه با وجود توانایی‌های زنان در سینمای ایران، آنها هیچ‌وقت نتوانستند در رده‌های بالای مدیریتی سینما قرار گیرند و با وجود داشتن خلاقیت، تعهد و دست‌پاکی هنوز چنین فرصتی برایشان اتفاق نیفتاده است. در این سال‌ها فقط می‌توان از مدیرانی مانند لادن طاهری در فیلم‌خانه ملی ایران و شیرین نادری در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی یاد کرد که البته آنها به طور مستقل، بی‌حاشیه و به دلیل توانایی‌هایشان حضور یافته‌ند و‌گرنه در مناسبات تفویض مدیریت‌های مردانه حضور ندارند.

تحلیل‌تان چیست؟

خب من واقعا سال‌ها کار کرده‌ام. یادم می‌آید خانم پهلوان در دفتر جشنواره به مدیریت جمال امید، جقدر پهلوانانه و دلسوزانه کار می‌کردند. زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف از توانایی بالایی برخوردارند.

●**راستی چگونه در آن زمان پست مدیریت در سیمافیلم به شما تفویض شد؟**

به لطف آقایان محبی و حیدریان که در سیمافیلم حضور داشتند، بنده به عنوان نماینده سینمای ایران فعالیت کردم. در آن دوران حضور یک زن در عرصه مدیریتی چندان ساده نبود. ولی ایسن بزرگواران مجوز حضور من را در عرصه بین‌الملل به‌عنوان مدیر فراهم کردند.

●**تحلیل‌تان از ترکیب هیات داوران امسال چیست؟**

از نظر تعداد افراد که چهار زن و چهار مرد حضور دارند که خوب است. هر کدام از این افراد دیدگاه‌هایی دارند. مثلاً من و آقای نمس از سینمای مستقل می‌آییم. بازیگران سرشناسی حضور دارند که قطعا روی مسائل بازیگری تسلط دارند. البته این افراد را از نزدیک نمی‌شناسم و از روی آثار هم چند نامی‌توان به شکل کلاسیک نقاشی کند ولی ایده‌های مدرن داشته باشد. به هر حال، خوشحالم که امسال سینمای ایران حضور برپاری دارد.

و ناگزیرند از همان واژه‌های بی‌بنیان «درآمدن» و «درنیامدن» استفاده کنند.

در جای‌جای نمایش «سوراخ» شاهد اکراه نویسنده/کارگردان به سخن‌ورزی و همان «گفتن»‌های معروف هستیم؛ صحنه این نمایش به‌گونه‌ای طراحی شده که آن‌قدر از تماشاگر دور است که تماشاگران آن عرض ۹ متری را به‌راحتی می‌توانند در یک قاب ببینند بدون اینکه نیاز داشته باشند سرشان را چپ و راست کنند؛ لانگ‌شات‌ی که شاید خیلی‌ها به یاد پرده اسکوپ سینما بیننداز؛ صحنه‌ای بدون زاویه، گویی دو‌بعدی که کارگردان آگاهانه بی‌او و تماشاگرانش جهانی تاریک قرار داده است؛ تا همه ما مثل او صرفاً نظاره‌ریک موقعیت باشیم؛ موقعیتی که نه ابتدایش را می‌دانیم (آیا بمبی منفجر شده؟ کجا؟ کی؟ اینجا کجاست؟) و نه سرانجامش را. (آن پلیس جوان کشته شد؟ هنوز هم می‌خواهند آن عکاس و آن پسر مهاجر را بزند؟ آن تورریست چه؟) تماشاچی نمایش «سوراخ» شاهد نمایشی است که در آن درام به شکل ارسطویی‌اش به حداقل رسیده و با وجود داستان‌های متعدد، نمایش‌نامه هیچ اضرائی برای به‌سرانجام‌رسانیدن این موقعیت‌ها ندارد. درست مثل زندگی امروز؛ ما با آدم‌ها برخورد می‌کنیم بی‌هیچ آگاهی‌ای از سرانجام آنها. گویی با همان مواجهه ما کافی است یا سرانجام آنها همان چیزی است که در خیال ما رخ می‌دهد. این نگاه بی‌قضاوت که این نوع آثار را از آن دست آثاری که بلندگو دست گرفته‌اند و هزار چیز می‌گویند و هیچ نمی‌گویند جدا می‌کند، ونیزگو هنرمند معاصر است که به قول ممت به همان اندازه ترسیده و راه‌حل برون‌رفت از این «سوراخ» را نمی‌داند که مخاطبانش سردرگم و وحشت‌زده‌اند. (اگر به‌دنبال ایام وا راه‌حل‌های ساده هستید، تلویزیون‌تان را روشن کنید... مسائل سیاسی و اجتماعی در آنجا کارتون شده‌اند، آدم‌دها کلاه سیاه می‌پوشند و خوب‌ها کلاه سفید، من علاقه‌ای به کارتون‌ساختن ندارم... سراغ جواب‌ها را از من.

نگیرید. [۴]

پی‌نوشت‌ها:

- Kazimir Malevich
- Dan Flavin
- statment
- Holmberg, Arthur (1992), ‘Approaches: The language of misunderstanding’, American Theatre 9.6, 94-5

مشتري کافه خیابان وسط

دکتر ما واقعا دکتر است



● **مهرداد حجتی**

● «مگر این آقا دکتر است؟» «این را که همه می‌دانند. این چه حرفی است که می‌زنید؟» «واقعا؟» «چرا تردید دارید؟ دکتر است دیگر. پرسیدین ندارد.» «یعنی اجازه معاینه و تشخیص دارید؟» «حالا فهمیدم. خیر ایشان پزشک نیست. چطور مگر؟» «همه‌اش از حال مردم حرف می‌زند. گفتم لابد دکتر است.» «دکتر است. حالا منظور؟» «ایشان را مسئول سینما گذاشته‌اند تا درباره «حال سینما» به مردم توضیح دهد. نه از حال مردم! مگر مردم باید برای فهمیدن حال خودشان بروند پیش ایشان؟» «حالا ایشان حرفی زده.» «گفتم لابد دکتر است.»

«باز هم که گفتی؟ والله ایشان دکتر است.» «هان از این دکتر‌ها.» «از کدام؟» «از همین دکترهایی که به همه می‌گویند.» «مگر به همه، دکتر می‌گویند؟» «خیلی وقت است. مگر نمی‌دانی؟» «خیلی متوجه نمی‌شوم.» «دکتر ... که بات دکتر هست؟» ایشان فرق می‌کند دکترایش واقعی است. همه می‌دانند.» «چه اضرائی است که از لقب دکتر استفاده کنند؟» «ایشان که خودش اصرار ندارد. برایشان به کار می‌برند. اینکه مشکلی نیست.» «اما آن آقا در آن سال‌ها، زیر همه نامه‌ها را با عنوان «دکتر ...» امضا می‌کرد.» «یعنی خودش هم به خودش «دکتر» می‌گفت؟» «اصرار داشت ایسن «دکتر» را جا بیندازد تا همه باور کنند.» «همه باور کردند؟» «آنها که به امضای او احتیاج داشتند و‌اممود می‌کردند باور دارند و غلیظتر این عنوان را به کار می‌بردند تا موجبات خرسندی ایشان فراهم شود.» «یعنی آن‌موقع کسی نفهمیده بود مدرک ایشان جعلی است؟ مگر می‌شود در سازمانی به اهمیت آن سازمان بدون بررسی مدارک هویت استخدام شد. چه رسد به رسیدن به مدارج بالای سازمان؟» «اما ایشان رسیده.» «پست ایشان چه بود؟» «معاونت.» «چه جالب! این‌طوری خودش مسئول بررسی پرونده خودش بوده، لابد.» «جالب‌تر اینکه پرونده همه کارمندان سازمان می‌آمد زیر دست ایشان. از بالا تا پایین.» «اما اگر منظورت مقایسه دو مقام است، باید بگویم مقایسه منصفانه‌ای نیست.» «کسی نگفته که می‌خواهم مقایسه کنم. فقط داشتم حرف می‌زدیم.» «حالا چرا نسبت به به‌کارگیری عنوان دکتر» این‌قدر حساسی؟» «مگر کسی به «مانوتول کانت» می‌گفت دکتر؟ یا به «کارل مارکس»؟ سال‌هاست ما «کانت» را همان «کانت» می‌شناسیم و «مارکس» را هم همان «مارکس». هردو آنها «دکتر» داشتند.

اما شهرت آنها و اهمیتشان به «دکتر» بودنشان نیست به اندیشه‌شان است.» «نکند می‌خواهی طعنه بزنی؟» «نکند هم که همه‌اش نگران طعنه‌ای.» «گفتم شاید می‌خواهی به «دکتر» ما کنایه بزنی.» «شما که هنوز گرفتاری.» «گرفتار چه؟» «گرفتار همین عنوان.» «دکتر ما واقعا دکتر است. این را که نباید انکار کرد.» «اتفاقا ایشان هم همان مشکل را داشت.» «چه مشکلی؟» «که می‌خواستند «دکتر» صداپیش کنند.» «چون واقعا دکتر بوده.» «بود یا نبود. مهم نیست. مهم استفاده از این عنوان است. به نظر می‌رسد فرد چیزی کم دارد. تلاش می‌کند با اضافه‌کردن یک عنوان به خودش آن کمبود یا عیب را برطرف کند. به‌عبارتی آن شخص بدون آن عنوان چیزی به حساب نمی‌آید. اصلا دیده نمی‌شود. آن عنوان یعنی «دکتر» او را نجات می‌دهد.» «تا می‌آییم در موضوعی به اشتراک برسیم. همه چیز را به هم می‌زنید. چرا درباره هرچه بحث می‌کنیم شما پای «دکتر» را هم وسط می‌کشید؟» «چون رفتارهای نگران‌کننده داشت؟ رفتارهایی که اگر نقد نشوند و نسبت به آنها ملاحظه داده نشود ممکن است در رفتار دیگران تداوم یابند.» «این را به خودشان بگویند. چه کار به دکتر ما دارید؟» «دارم به خودشان می‌گویم. این شماید که روی «دکترتان» حساسید.» «خُب بگویید.» «بین دوست من؛ منتقد که مدح نمی‌کند. منتقد، منتقد است. فرقی نمی‌کند چه آن؟ یا بد نقدش را بکند. اگر دوستان منتظرند که فقط مدحشان گفته شود که باید بگویم اشتباه فکر کرده‌اند. شما هم محکم «دکتر» ت را پچسپ که مبادا کسی از چنگت دَرَش بیاورد.» «می‌شود کاری به کار «دکتر» ما نداشته باشی؟» «این خودش است که با خودش کار دارد. مدام داستان درست می‌کند. هر جا که می‌ورد جنجالی به پا می‌کند.» «می‌توانم از تو خواهش کنم. راجع به همان آقای دکتر خودتان حرف بزنی؟» «من که حرفم را همان اول زدم. کمان می‌کنم باید به دوستان توصیه کنم بدون استفاده از این عنوان برای خودشان اعتبار کسب کنند. خیلی وقت است که «دکتر» هم اعتبارش را از دست داده.» «یعنی من بی‌خود دارم مدرک می‌گیرم؟» «دست‌راستی» این را جدی از «دست‌چی» پرسید. «دست‌چی» غافلگیر شده بود. نمی‌دانست دوست «دست‌راستی»

ما دارد «دکترایش» را می‌گیرد. در همین حین کارسن به «دست‌راستی» گفت: «آقای دکتر، فرانسه یا ترک؟»